رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، شماره ۱، شمارهٔ پیاپی۹۸
بهار و تابستان ۱۳۹٦، ص۲۸- ۹

الکافی و روایات اسحاق بن محمّد اَحْمَر نَخَعی
تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق*

دکتر حمید باقری
استادیار دانشگاه تهران
Email: bagheri.h@ut.ac.ir

چکیده

کلینی در تألیف الکافی خود از منابع متعدد مکتوب حدیثی بهره برده است که بررسی آن‌ها می‌تواند در شناسایی هرچه دقیق‌تر روش وی در تدوین کتابش سودمند باشد. نکته جالب توجه آنکه مؤلفان برخی از این منابعش در کتب رجالی افرادی دروغگو و حتی جاعل حدیث معرفی شده‌اند. از جمله آن‌ها، اسحاق بن محمد احمر است که تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به روایات منقول از وی در الکافی و منبع کلینی در نقل آن‌ها نپرداخته است. نجاشی دو کتاب أخبار السید و کتاب مجالس هشام را از میان آثار وی معرفی کرده است. از لابلای میراث نصیریه پنج کتاب دیگر نیز از آثار وی شناخته شده است: کتاب الصراط، کتاب الصلاة، کتاب التنبیه، کتاب باطن التکلیف و کتاب الشواهد. این نوشتار ضمن نگاهی به شخصیت اسحاق و دیدگاه عالمان درباره وی، به روایات کلینی از اسحاق پرداخته و تلاش دارد منبع کلینی را در این باره روشن نماید. بنا بر برخی شواهد، به نظر می‌رسد که از میان این مکتوبات اسحاق، کتاب أخبار السید وی ـ که پیش از انحرافش تألیف شده ـ منبع کلینی در نگارش الکافی بوده است.

کلیدواژه‌ها: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، منابع، اسحاق بن محمد احمر، کتاب أخبار السید.

---

*. تاریخ وصول:۱۳۹۵/۰۱/۳۱؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵.

DOI: 10.22067/naqhs.v0i0.55271

مقدّمه

کتاب الکافی تألیف ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق) یکی ازکتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه امامی و مشتمل بر بیش از شانزده هزار حدیث است که در موضوعات اعتقادی، فقهی و اخلاقی از میان کتاب‌ها و منابع مختلف انتخاب و تألیف شده است. اطلاعات قطعی چندانی درباره روش وی در گزینش و تدوین این روایات در دست نیست، جز آنکه او در مقدمه کتاب بر تصحیح این روایات تصریح کرده است. توجه به این نکته در کنار این امر که وی از دفاتر و مکتوبات حدیثی پیش از خود به مثابه منابع قابل اعتماد خود استفاده کرده است بر اهمیت این منابع در مباحث علوم حدیثی به‌ویژه نقد حدیث می‌افزاید.

به‌طور کلی درباره روش محدثان متقدم امامی در جریان نقادی احادیث گفتنی است که ایشان در این فرآیند با تکیه بر نظام «قراین» ازنشانه‌های متعددی استفاده کرده‌اند که این نشانه‌ها را می‌توان در سه محور منبع‌شناسی، آگاهی‌های رجالی و متن‌پژوهی مورد بررسی قرار داد. این عالمان چنانکه در این ارزیابی‌های سه‌گانه، به صدور حدیثی از معصوم اطمینان می‌یافتند از آن حدیث با عنوان «صحیح» یاد می‌کردند، و در مقابل احادیثی را که در صدور آن از معصوم تردید داشتند «ضعیف» قلمداد می‌کردند (در این باره ر.ک: شبیری، لزوم ارزیابی، ۱۳۱). بنا براین سخن، تصحیح روایات الکافی از سوی مؤلف آن به معنای تأیید احراز صدور آن‌ها از معصومان است.

اما آنچه در این میان پر اهمیت است آنکه کلینی در برخی موارد از منابعی بهره برده است که مؤلفان آن‌ها در منابع رجالی صراحتا نه تنها تضعیف شده‌اند بلکه بر دروغگو و جاعل حدیث بودن آن‌ها اشاره شده است. از جمله این مؤلفان، اسحاق بن محمد بن ابان نخعی ملقب به احمر است. مسأله درباره او کمی بغرنج‌تر است؛ چه آنکه او از یک‌سو غالی، دروغگو و جاعل معرفی شده و از سوی دیگر در منابع کهن به عنوان مؤسس فرقه غالی اسحاقیه قلمداد شده است. این نوشتار می‌کوشد تا ضمن نگاهی به شخصیت این راوی و بیان دیدگاه‌های عالمان امامی درباره وی، اثر وی را که کلینی از آن استفاده کرده است شناسایی نماید. نقل روایات اسحاق احمر با وجود تضعیف قطعی وی از سوی رجال‌شناسان امامی نمونه جالب توجهی در تکیه محدثان متقدم بر قرائن متعدد برای احراز صدور احادیث است، روشی که بعدها با سیطره مبانی فقهی ـ حدیثی عالمان مکتب حله تقریبا کنار گذاشته شد و جای خود را به ارزیابی‌های محض رجالی و بررسی‌های سندی داد.

درباره اسحاق احمر

کامل‌ترین اطلاعات درباره نام و نسب وی را نجاشی گزارش کرده است. بنا بر گزارش وی، نام کامل او اسحاق بن محمد بن احمد بن لبان بن موار بن عبدالله بن حارث احمر نخعی است. به‌گفته همو، جد اعلای وی عبدالله که برادر مالک اشتر ـ صحابی جلیل القدر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) ـ بوده به‌نام‌های «عقبة» و «عقاب» نیز شناخته می‌شده است (نجاشی، ۷۳، ش ۱۷۷؛ نیز نگ: ابن غضائری، ٤١؛ حلی، خلاصة الأقوال، ۲۰۱؛ همو، إیضاح الإشتباه، ٩٤-٩٥، ش ٤٢). کنیه اسحاق، «ابویعقوب» گزارش شده است (ابن غضائری، ٤١؛ طوسی، إختیار، ش ٣٦٤، ٨٠٤، ١٠١٤، ١٠٤٣، ١٠٨٤؛ طوسی، رجال، ۳۹۷، ش ۵۸۲۷؛ خطیب بغدادی، ٦/ ٣٧٥، ش ٣٤١٣؛ ابن حجر عسقلانی، ٧/ ١٢٣، ش ۱۳۵۲). سبب شهرت وی به «احمر» آن بوده که او به بیماری برص مبتلا بوده است و برای دفع آن به صورتش داروئی می‌مالید تا گلگون (احمر) شود (خطیب بغدادی، ٦/ ٣٧٧؛ ابن کثیر، ١١/ ٩٣).

وی بخشی از حیات خود را در کوفه سکونت داشته است و از این رو با نسبت «کوفی» معرفی شده است (سمعانی، ١/ ١٣٦؛ ابن اثیر، ١/ ٥٢؛ ابطحی، ٣/ ١٣٢). او علاوه بر کوفه، در بغداد نیز ساکن بوده است؛ چه به‌گفته ابوعمروکشی، استادش ابوالنضر محمد بن مسعود عیاشی برای ملاقات وی به‌این شهر سفر کرد (طوسی، إختیار، ش ١٠١٤). از این رو، خطیب بغدادی شرح‌حال وی را در تاریخ مدینة السلام مشهور به تاریخ بغداد خود آورده است (خطیب بغدادی، ٦/ ٣٧٥- ٣٧٧، ش ٣٤١٣).

برخی رجالیان متأخر مانند علامه حلی، ابن داود و محمد علی اردبیلی از ابویعقوب اسحاق بن محمد بصری نیز یاد کرده‌اند که هم‌کنیه با اسحاق احمر بوده و همچون او تضعیف شده و غالی خوانده شده است (حلی، خلاصة، ۳۱۸، ش ۳؛ ابن داود، ۲۳۱ ش ۵۲؛ اردبیلی، ١/ ٨٧-٨٨). چنانکه آیةالله خوئی به علامه حلی نسبت داده است (خوئی، ٣/ ٢٢٩)، در بادی امر این احتمال می‌رود که این عالمان قائل به تعدد این دو شخص بوده‌اند، حال آنکه این دو بی‌تردید یکی بوده‌اند. بنا بر نظر برخی عالمان امامی، این دو یعنی اسحاق بن محمد احمر و اسحاق بن محمد بصری در واقع یک نفرند (تفرشی، ١/ ١٩٧-١٩٨ ش ٤٣١ و ٤٣٢؛ وحید بهبهانی، ٢/ ٢٨٤؛ خوئی، ٣/ ٢٢٨-٢٣١، ش ١١٧٧ و ١١٧٩، ص ٢٣٣، ش ١١٨٥؛ تستری، ١/ ٧٧٧، ٧٧٩). کنیه یکسان و غالی بودن هر دو از جمله مؤیدات این نظر است. بدین ترتیب، نسبت «بصری» که در برخی منابع برای وی گزارش شده،[1] می‌تواند اشاره به‌زادگاه یا محل سکونت او داشته باشد.

---

[1]. تقریباً در همه جای رجال کشی با همین نسبت معرفی شده است. نگ: طوسی، إختیار، ش ٤٢، ٤٤، ١٢٥، ٣٢٩، ٣٣٠، ٣٣١، ٣٤٤، ٣٤٧، ٣٦٣، ٣٦٤، ٤١٤، ٥٠٥، ٥٨٣، ذیل ٥٨٤، ٥٩١، ٥٩٧، ٧٤٢، ٧٤٨، ٨٠٤، ١٠١٤، ١٠١٥، ١٠١٨، ١٠٤٣، ١٠٨٤، ١٠٨٧، ١١٤٦؛ طوسی، رجال، ص ٣٨٤، ش ٥٦٥١، ص ٣٩٧، ش ٥٨٢٧.

از سال ولادت او اطلاعی در دست نیست، اما دانسته است که در سال ۲۸٦ ق درگذشته است (ابن حجر عسقلانی، ۱/ ۳۷۳). شیخ طوسی از اسحاق بن محمد بصری در شمار اصحاب امام هادی (۲۱۲-۲٥٤ ق) و امام حسن عسکری (۲۳۲-۲٦۰ ق) نام برده است (طوسی، رجال، ص ۳۸٤، ش ٥٦٥۳ و ص ۳۹۷، ش ٥۸۲۷)، هرچند که علامه حلی او را جزء شاگردان امام جواد (۱۹٥-۲۲۰ ق) نیز معرفی کرده است (حلی، خلاصة الأقوال، ۳۱۸). چنانچه مطلب اخیر درست باشد، زمان تقریبی ولادت اسحاق را می‌توان اوایل سده سوم هجری و احتمالاً بعد از شهادت امام رضا (علیه السلام) در سال ۲۰۳ ق بیان کرد. نکته حائز اهمیت درباره یادکرد اسحاق در زمره شاگردان این سه امام آنکه امروزه در منابع حدیثی امامیه هیچ روایتی که اسحاق احمر مستقیماً از یکی از این امامان نقل کرده باشد وجود ندارد. خطیب بغدادی، نام شماری از مشایخ حدیثی و راویان وی را معرفی کرده و اظهار داشته است که غالب روایات وی مشتمل بر اخبار و حکایات است (خطیب بغدادی، ٦/ ۳۷٥).

او در منابع رجالی امامیه به عنوان شخصیتی دروغگو، فاسد العقیده، غالی (طوسی، إختیار، ش ٤۲: «وهوغال من أركان الغلاة»؛ ابن داود، ۲۹٤، ش ۱۱؛ حسن بن زین الدین، ٤۳، ۱۱۹) یا متهم به‌غلو (طوسی، رجال، ۳۸٤، ش ٥٦٥۱) معرفی شده است. تعبیر نجاشی درباره وی جالب توجه است که به‌همین اندیشه‌های غلوآمیز وی اشاره دارد: «وهو معدن التخليط» (نجاشی، ۷۳، ش ۱۷۷). تندترین تعابیر درباره او را می‌توان در اظهار نظر احمد بن حسین غضائری مشاهده کرد. او، اسحاق احمر را دارای مذهبی فاسد («فاسد المذهب»)، دروغگو در روایت‌گری («كذاب فی الرواية»)، جاعل حدیث («وضاع للحديث») که به روایاتش اعتنایی نمی‌شود («لا يلتفت إلى ما رواه») و احادیث منقول از او بر احادیث مشابه هیچ وجحانی ندارد[۲] («لا يرتفع بحديثه») معرفی کرده است. به‌گفته همو، خبری درباره اسحاق و عیاشی دالّ بر جاعل حدیث بودن وی وجود دارد که مشهور است (ابن غضائری، ٤۱-٤۲، ش ۱٤). مقصود ابن غضائری از این خبر، گزارش ابوعمرو کشی از استادش ابوالنضر محمد بن مسعود عیاشی است که «برای نوشتن حدیث از اسحاق به بغداد سفر کردم. از او درخواست کتابی کردم تا استنساخ کنم. کتابی را مشتمل بر احادیث مفضل بن عمر [جعفی] در تفویض به من داد، رغبتی به آن نشان ندادم، کتابی شامل احادیثی از ثقات به من داد، او را حریص به کبوترهای اهلی دیدم که از آنها نگهداری می‌کرد و در فضیلت نگهداری آن‌ها حدیث نقل می‌نمود». با این همه شگفت‌آور است که ابوالنضر محمد بن مسعود

---

۲. برای این معنا از عبارت «لا يرتفع بحديثه» نگ: جدیدی‌نژاد، ۱۳٤.

ادامه داده است: «او حافظ‌ترین افرادی بود که من ملاقات کـردم» (طوسـی، إختیـار، ش ۱۰۱٤؛ نیـز نـک: تستری، ۱/ ۷۷۶-۷۷۷).

به‌گفته نجاشی وی حدیثی از محمد بن حسن بن شمون بغدادی (م ۲۵۸ ق) ـ راوی واقفی کـه بعـدها پیرو جریان غلو شد (درباره وی نگ: نجاشی، ۳۳۵، ش ۸۹۹) ـ دال بر امامت امـام هـادی (علیه‌السـلام) روایت کرده است، اما بنا بر داوری صـریح نجاشـی، اسـحاق در روایـت کـردن مـردود و مشـکوک اسـت (نجاشی، ۳۳٦).[۳]

بنا براین گزارش‌ها، روشـن اسـت کـه رجالیـان متقـدم اعتمـادی بـه اسـحاق احمـر نداشـته‌اند. ایـن بی‌اعتمادی به‌وی نزد رجالیان متأخر نیز قابل مشاهده است (حلـی، خلاصـة، ۳۱۸، ش ۳ و ۵؛ ابـن داود، ۲۳۱، ش ۵۱ و ۵۲، نیز ۲۹۹، ش ۱؛ حسن بن زیـن الـدین، ۲٤، ٤۳-٤٤، ۵۳۸). بـا وجـود ایـن تعـابیر صریح در غلو و طعن اسحاق احمر، جای بسی شگفتی است کـه از چـه رو وحیـد بهبهـانی سـبب طعـن رجالیان درباره وی را اعتقاد اسحاق به مفضل بن عمر جعفی و نقل روایاتی در مدح او و همچنین روایـاتی درباب مسأله تفویض دانسته است (وحید بهبهانی، ۲/ ۲۸۵-۲۸٦)، حال آنکه عبارت عیاشی هـیچ گونـه دلالتی بر این موارد ندارد (در این باره ر.ک: تستری، ۱/ ۷۷۹-۷۸۰).

عالمان اهل سنت نیز اسحاق احمر را به‌عنوان شخصی دروغگو و غالی معرفی کرده‌انـد. بـرای نمونـه، خطیب بغدادی (م ٤٦۳ ق) اسحاق را از جمله رافضیان مشهور به غلو خوانده و فرقه اسحاقیه را منتسب به او دانسته است. به گفته او، اسحاق در زمره کسانی بوده کـه بـه الوهیـت علـی (علیه‌السـلام) بـاور داشـتند (خطیـب بغـدادی، ٤/ ۵۷، ٦/ ۳۷۷؛ سـمعانی، ۱/ ۱۳۶).[٤] وی در جـای دیگـر ایـن مطالـب را بـه‌نقل از ابوالقاسم عبدالواحد بن علی اسدی گزارش کرده است، مطالبی که برخی شیعیان نیز مشابه آن را به خطیب بغدادی گفته بودند (خطیب بغدادی، ۶/ ۳۷۷). از دیگر عالمان سنی به دیدگاه شـمس الـدین ذهبـی بایـد اشاره کرد که اسحاق احمر را فردی دروغگو و از غلات دانسته و مـذهب او را خبیـث معرفـی کـرده اسـت (ذهبی، المغنی، ۱/ ۱۱۱، ش ۵۷۸؛ همو، میزان الإعتدال، ۱/ ۱۹٦-۱۹۷).

ابن جوزی، حدیثی منقول از عبدالله بن مسعود از امام علی (علیه‌السلام) را که شاهد مواجهه پیامبر با شیطان در صورت فیل بوده است و شیطان در این ملاقات خطاب به حضرت امیر گفتـه اسـت کـه «کسـی

---

۳. این احتمال که آنچه مقصود نجاشی است یکی ازدو روایتی است که کلینی (۱/ ۵۱۰، ح ۱٦ و ۱۷) نقل کرده منتفی است؛ چه آنکه اولاً ایـن دو روایت نقل سخن امام حسن عسکری (ع) هستند و ثانیاً محتوای آن چیزی جز مطلبی است که نجاشی اشاره کرده است.

٤. گفتنی است که در برخی منابع، ایجاد فرقه اسحاقیه به اسحاق بـن زیـد بـن حـارث نسبت داده شـده اسـت: «صـاحب المقالـة المعروفـة بالاسحاقیة». ابن ابی الحدید، ۸/ ۱۲۲.

بغض تو را ندارد جز آنکه مـن بـا پـدرش در انعقـاد نطفـه او در رحـم مـادرش شـریک خـواهم بـود»،[٥] از برساخته‌های اسحاق احمر دانسته است (ابن جوزی، ۱/ ۳۸۵-۳۸٦. نیز نگ: ذهبـی، میـزان الإعتـدال، ۱/ ۱۹۷).

بنا بر شهرت اسحاق احمر به جعل و ضعف روایی و فساد مذهب، روایات بسیار کمـی از او در کتـب حدیثی متقدم شیعی نقل شده است. در این باره گفتنی است که از میان کتب اربعه، تنها روایـات معـدودی ازوی در الکافی نقل شده است.[٦]

فرزند وی ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق احمری (زنده در ۲۶۹ ق) نیـز از جملـه راویـان حـدیث بـوده است که از سوی رجالیان ـ همچون پدرش ـ تضعیف و متهم به غلو که روایـات صـحیح و سـقیم را بـدون تمایز نقل می‌کرده، معرفی شده است (ابن غضائری، ۳۹، ش ۹؛ نجاشی، ۱۹، ش ۲۱؛ طوسـی، الرجـال، ٤۱٤، ش ٥۹۹٤؛ طوسی، الفهرست،[٧] ۱٦، ش ۹). شیخ طوسی از راوی‌ای به نام ابـراهیم بـن إسـحاق در شمار شاگردان امام هادی (علیه‌السلام) نـام بـرده و او را توثیـق کـرده اسـت (طوسـی، الرجـال، ۳۸۳، ش ٥٦۳٥). علامه حلی درباره اشتراک این دو مردد است، هرچند معتقد است که در صورت این‌همـانی ایـن دو راوی، بازهم نمی‌توان به روایات او اعتماد کرد (حلی، خلاصة، ۳۱٤، ش ٤). هرچند گفتنـی اسـت کـه آیةالله خویی به تمایز این دو راوی تصریح دارد (خوئی، ۱/ ۱۸٥، ش ۱۰۱).

معرفی ابراهیم بن اسحاق از سوی رجالیان با نسبت «نهاوندی»، اشاره به‌خاستگاه ایرانی وی دارد؛ چه آنکه شیخ طوسی همین راوی را با عبارت «إبراهیم الأعجمـی مـن أهـل نهاونـد» نیـز معرفـی کـرده اسـت (طوسی، الفهرست، ۲۰، ش ۱٦. نیز نک: خـوئی، ۱/ ۱٦٥، ش ٦۲، ص ۱۸٥-۱۸۹، ش ۱۰۲- ۱۰٤). بنـا براین، انتساب وی به شهر «موصل» از سوی ابوعمرو کشی می‌تواند بر سـکونت وی در ایـن شـهر دلالـت داشته باشد (طوسی، إختیار، ٥۹٤، ش ٥٥۲). تعبیر شیخ طوسی درباره انتسـاب محمـد بـن ابـراهیم بـن اسحاق به شهر «طالقان» (ر.ک: ابـن غضـائری، الرجـال، ۱۲٤؛ نجاشـی، ۲٥۸)[٨] ـ کـه فرزنـد ابـراهیم

---

[٥]. ابن شهر آشوب این روایت را به نقل از منابع سنی در مناقب (۲/ ۸٦- ۸۷) خود آورده است.

[٦]. در این باره در ادامه به تفصیل سخن خواهیم گفت.

[٧]. در بیشتر موارد در ارجاع به کتاب الفهرست شیخ طوسی از چاپ مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی استفاده شده است جز در موارد اندکی که به چاپ دیگر آن (چاپ قیومی) تصریح شده است.

[٨]. ظاهراً شهر طالقان از جایگاهی خاص نزد نصیریه برخوردار بوده است. عنوان کتاب الجوهرة الطالقانیة اثر ابوطاهر سابور بن قاسم زاهد ـ از بزرگان شناخته شده نصیریه ـ از جمله شواهد آن است. افزون بر این، در روایتی منقول از مفضل بن عمر جعفی از امـام صـادق (ع) بـه وجـود «گنجینه طالقان» اشاره شده است. بنا بر این روایت، مردانی از اهالی طالقان در آخر الزمان به یاری مهـدی موعـود (عـج) خواهنـد شـتافت. هرچند این روایت در منابع شیعه امامی نیز روایت شده (برای نمونه نگ: ثقفی کوفی، الغارات، ۲/ ٦۸۰؛ صدوق، کمال الدین، ۲٦۸؛ حلـی، مختصر بصائر الدرجات، ۱۸۸- ۱۸۹؛ عاملی، الصراط المستقیم، ۲/ ۱٥٥؛ مجلسی، بحار، ٤۱/ ۳٥۲؛ ٥۲/ ۳۰۷-۳۰۸، ح ۸۲، ٥۳/ ۱٥)،

نهاوندی دانسته شده (وحید بهبهانی، ۲۹۳ و۲۹۱) ـ مورد توجه قرار گیرد، خود می‌تواند شاهدی دیگر براصالت ایرانی پدرش تلقی گردد. شیخ صدوق با تعبیر «رضی الله عنه» از او روایت کرده است. تولد ابراهیم بن اسحاق در شهر نهاوند به نوبه خود حاکی از اصالت ایرانی یا دست‌کم سکونت پدرش در ایران است.

روایات اسحاق احمر در *الکافی*

با وجود شهرت اسحاق احمر به داشتن اندیشه‌های غالیانه و فقدان ویژگی‌های اعتمادزا، محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق) از میان محدثان متقدم امامی بیشترین روایات را از اسحاق احمر نقل کرده است. این روایات، مشتمل بر حدیثی از امام علی (علیه‌السلام) در باب قضا و قدر الهی (کلینی، ۱/ ۱۵۵-۱۵۶، ح ۱)، نصوصی دال بر امامت امام حسن عسکری (علیه السلام؛ همان، ۱/ ۳۲۷-۳۲۸، ح ۹-۱۲) و ولادت آن حضرت (همان، ۱/ ۵۰۸-۵۱۲، ح ۹- ۲۲)، حدیثی از امام صادق (علیه السلام) در باب غیبت امام (همان، ۱/ ۳۳۷-۳۳۸، ح ٦)، حدیثی از امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره شناخت مدعی راستین امامت از مدعی دروغین (همان، ۱/ ۳٤۷، ح ٤)، حدیثی از امام رضا (علیه السلام) درباره حکم نماز بر بام کعبه (همان، ۳/ ۳۹۲، ح ۲۱؛ نیز نگ: طوسی، تهذیب، ۳۷٦/۲، ح ۱٥٦٦)، پرسشی از امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره فلسفه وجوب روزه (کلینی، ٤/ ۱۸۱، ح ٦؛ نیز نگ: صدوق، الأمالی، ۹۷، ح ۷۵)، بیت شعری از امام کاظم (علیه السلام؛ کلینی، ٥/ ۹٤-۹٥، ح ۱۰) و حدیثی از امام حسن عسکری (علیه السلام) در باب ارث (همان، ۷/ ۸۵، ح ۲؛ نیز نگ: طوسی، تهذیب، ۹/ ۲۷٤، ح ۹۹۲) است.

در مجموع نام اسحاق احمر در سند ۲۵ حدیث از روایات الکافی آمده است که بیشترین آن مربوط به نصوصی دال بر امامت امام حسن عسکری (علیه السلام؛ همان، ۱/ ۳۲۷-۳۲۸، ح ۹- ۱۲) و ولادت آن حضرت (همان، ۱/ ۵۰۸-۵۱۲، ح ۹- ۲۲) ـ به‌ترتیب ٤ و ١٤ حدیث است. چنانچه ۳ حدیث دیگر از امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره شناخت مدعی راستین امامت از مدعی دروغین، فلسفه وجوب روزه و مسأله‌ای در باب ارث را نیز به این تعداد بیافزاییم شمار روایات کلینی از اسحاق از آن امام بالغ بر ۲۱ حدیث خواهد شد که حجم آن بالغ بر ۸٤% از کل روایات اسحاق احمر در الکافی است. درباره محتوای

اما تحریر کامل‌تر آن را خصیبی در الهدایة الکبری (۳۲۹- ٤١٤، به ویژه ۴۰۳-۴۰۴) خود نقل کرده است. برای پژوهشی تفصیلی درباره این روایت نگ: Anthony, pp. 459-483.

این روایات گفتنی است که همه آن‌ها با اعتقادات اصیل اسلامی ـ شیعی سازگار است کـه به‌نوبـه خـود از پالایش روایات وی از آرای باطل یا احادیث برساخته‌اش حکایت دارد. محمدتقی شوشتری نیز برهمین امر تأکید کرده و نقل روایات او در الکافی را پس از نقادی و پالایش آن‌ها دانسته است (تستری، ١/ ٧٨٠).

طرق کلینی در نقل این روایات، به‌ویژه تعلیق اسانید و آغاز آنها با نام اسحاق احمر، حاکی از آن است که وی از اثری مکتوب از اسحاق احمر در نقل این روایات بهره برده اسـت. کلینـی چهـار روایـت دال بـر امامت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) را بـه واسـطه علـی بـن محمـد عـلان رازی کلینـی و ١٤ روایـت مجموعه اخیر را به‌واسطه همو و محمد بن جعفر اسدی روایت کرده است. این دو راوی واسـطه کلینـی در نقل سه روایت دیگر اسحاق احمر از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) هستند.

این احتمال که آثار علی بن محمد علان یا محمد بن جعفر اسدی منبع کلینی بوده باشد چنـدان قابـل اعتنا نیست؛ چه آنکه در منابع فهرستی امامیه برای هر دوی ایشان آثاری معرفی شده است کـه بـا موضـوع روایات منقول از اسحاق نامرتبط است. نجاشی در شرح حال ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم بن أبـان رازی کلینی معروف به علان تنها کتاب أخبار القائم را برای وی نام بـرده اسـت (نجاشـی، ٢٦٠-٢٦١، ش ٦٨٢).[٩] او همچنین برای ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی کوفی کتاب الجبر و الإسـتطاعة را ذکـر کـرده است (نجاشی، ٣٧٣، ش ١٠٢٠) که ظاهراً همانی است که شیخ طوسی از آن با عنـوان کتـاب الـرد علـی أهل الإستطاعة یاد کرده است (طوسی، الفهرست، ٤٢٥، ش ٦٦١). بر این اساس می‌توان گفت کـه اثـری مکتوب از اسحاق احمر منبع کلینی در نقل این روایات بوده است و این دو، راوی این اثر بوده‌اند.

چنانکه روشن است بیشترین حجم روایات وی ـ ٢١ حدیث از ٢٥ روایت ـ مشـتمل بـر سـخنان امـام حسن عسکری (علیه‌السلام) است. هرچند ـ چنانکه گذشـت ـ اسـحاق در شـمار شـاگردان و راویـان آن حضرت معرفی شده است، اما آن‌ها را با واسطه روایت کرده است. او چهار روایت نخست را که مشتمل بر نصوصی دال بر امامت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) است از محمد بن یحیـی بـن دویـاب، ابوهاشـم داود بن قاسم جعفری و شاهویه بن عبدالله جلاب روایت کرده است، چنانکه یک روایـت نیـز بـه نقـل از محمد بن یحیی بن درياب از ابوبکر فهفکی است. اسناد این روایات به‌ترتیب زیر است:

١. علی بن محمد عن إسحاق بن محمد عن محمد بن یحیی بن دویاب قال: ... .

٢. علی بن محمد عن إسحاق بن محمد عن أبی هاشم الجعفری قال: ... .

---

٩. شیخ طوسی درفهرست خود هیچ اشاره‌ای به وی نکرده است.

۳. علی بن محمد عن إسحاق بن محمد عن محمد بن یحیی بن دویاب عن أبی بکر الفهفکی قال: . ...

۴. علی بن محمد عن إسحاق بن محمد عن شاهویه بن عبد الله الجلاب قال:... .

نقل با واسطه اسحاق احمر از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در مورد ١٤ روایت دیگر که به موضوع ولادت آن حضرت مرتبط‌اند نیز صادق است. اسحاق احمر این روایات را به‌واسطه سفیان بن محمد ضبعی، ابوهاشم جعفری، احمد بن محمد بن اقرع، حسن بن ظریف، اسماعیل بن محمد بن علی بن اسماعیل بن علی بن عبد الله ابن عباس بن عبدالمطلب، علی بن زید بن علی بن حسین بن علی، محمد بن حسن بن شمون، عمر بن أبی مسلم، یحیی بن قشیری، محمد بن ربیع شائی و أبوالعیناء محمد بن قاسم هاشمی مولی عبد الصمد ابن علی عتاقة روایت کرده است. دو روایت نیز به واسطه اقرع از ابوحمزه نصیر خادم و محمد بن حسن شمون از احمد بن محمد بن عبدالله نقل کرده است. اسناد این روایات چنین است:

۵. علی بن محمد ومحمد بن أبی عبد الله عن إسحاق بن محمد النخعی قال حدثنی سفیان بن محمد الضبعی قال: ... .

۶. إسحاق قال حدثنی أبوهاشم الجعفری قال: ... .

۷. إسحاق عن أحمد بن محمد بن الأقرع قال حدثنی أبوحمزة نصیر الخادم قال: ... .

۸. إسحاق عن الأقرع قال: ... .

۹. إسحاق قال حدثنی الحسن بن ظریف قال: ... .

۱۰. إسحاق قال حدثنی إسماعیل بن محمد بن علی بن إسماعیل بن علی بن عبد الله بن عباس بن عبد المطلب قال: ... .

۱۱. إسحاق قال حدثنی علی بن زید بن علی بن الحسین بن علی قال: ... .

۱۲. إسحاق قال حدثنی محمد بن الحسن بن شمون قال حدثنی أحمد بن محمد قال: ... .

۱۳. إسحاق قال حدثنی محمد بن الحسن بن شمون قال: ... .

۱۴. إسحاق قال حدثنی عمر بن أبی مسلم قال: ... .

۱۵. إسحاق قال حدثنی یحیی بن القشیری من قریة تسمی قیر قال: ... .

۱۶. إسحاق قال أخبرنی محمد بن الرَبیع الشائی قال: ... .

۱۷. إسحاق عن أبی هاشم الجعفری قال: ... .

۱۸. إسحاق قال حدثنی محمد بن القاسم أبوالعیناء الهاشمی مولی عبد الصمد بن علی عتاقة قال: ... .

بنا برسند روایت نخست ازاین مجموعه ١٤ روایتی، کلینی این روایات را با واسطه استادان خود علی بن محمد علان کلینی و محمد بن جعفر أبی عبدالله اسدی کوفی نقل کرده است. چنانکه مشهود است کلینی سند روایات بعدی را به سند روایت نخست تعلیق زده است. این تعلیق‌ها حاکی از آن است که منبع کلینی در نقل این روایات، متنی مکتوب از اسحاق احمر بوده است که کلینی این متن را به واسطه همان دواستاد خود یعنی علی بن محمد و محمد بن ابی عبدالله در اختیار داشته است.

۳ روایت دیگری که کلینی از اسحاق احمر روایت کرده به ترتیب حدیثی از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) درباره شناخت مدعی راستین امامت از مدعی دروغین، پرسشی از آن حضرت درباره فلسفه وجوب روزه و حدیثی از ایشان درباب ارث است. این روایات را اسحاق به‌ترتیب از ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، حمزة بن محمد و ابوبکر فهفکی نقل کرده است. ابتدای اسناد روایات نیز مشابه اسناد بالاست، یعنی کلینی این روایت را به واسطه دو استادش محمد بن جعفر اسدی کوفی و علی بن محمد علان کلینی نقل کرده است که این مشابهت نیز به نوبه خود بر این امر دلالت دارد که منبع کلینی در نقل این روایت نیز منبعی مکتوب از اسحاق احمر بوده است.

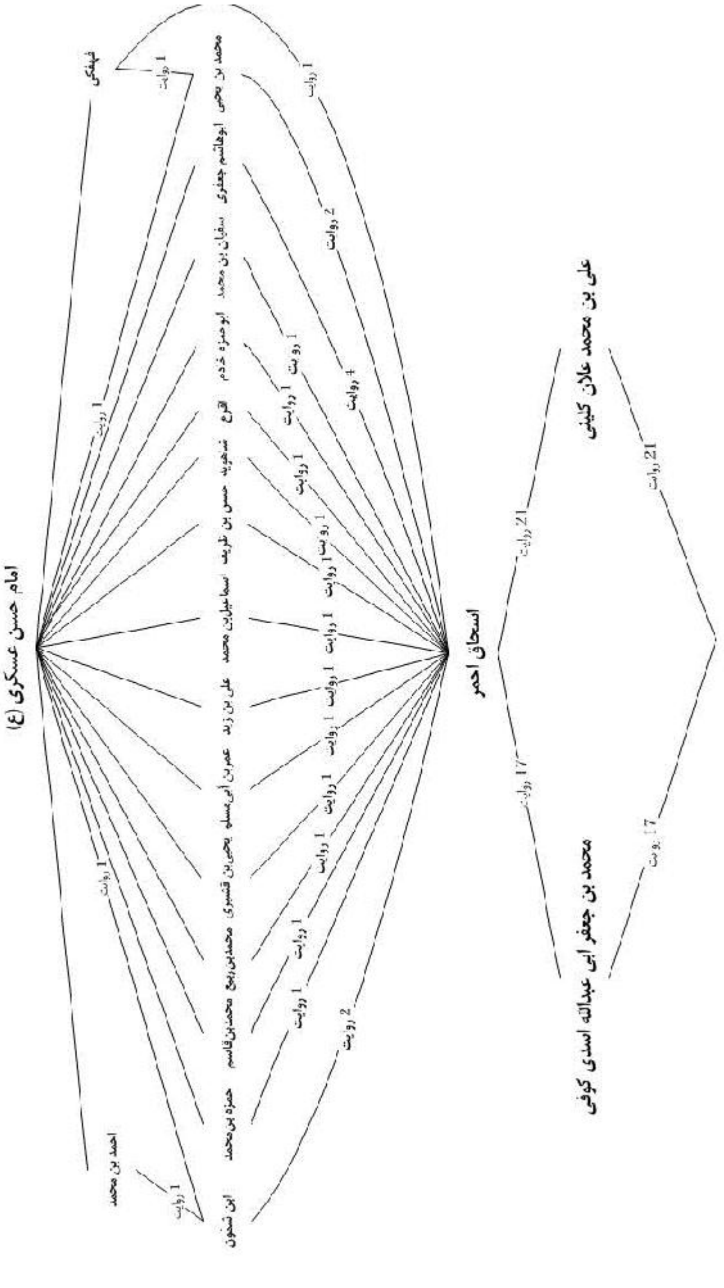
۱۹. محمد بن أبی عبد الله وعلی بن محمد عن إسحاق بن محمد النخعی عن أبی هاشم داود بن القاسم الجعفری قال:... .

۲۰.علی بن محمد ومحمد بن أبی عبد الله عن إسحاق بن محمد عن حمزة بن محمد قال: ... .

۲۱. علی بن محمد عن[10] محمد بن أبی عبد الله عن إسحاق بن محمد النخعی قال سأل الفهفکی أبا محمد (علیه‌السلام): ... .

تصویر زیر، نمودار کامل روایاتی را نشان می‌دهد که کلینی به‌واسطه استادان خود از اسحاق احمر با واسطه‌هایی از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) نقل کرده است.

[10]. بنا بر اسناد پیشین، باید گفت که واژه «عن» تصحیفی از «و» است.



طرق کلینی به کتب اسحاق احمر در الکافی

در پایان این بخش اشاره به‌این نکته نیز ضروری است که علاوه بر روایاتی که در الکافی روایت شـده و نام اسحاق احمر در اسناد آن‌ها مشاهده می‌شود، نام وی در سند حدیثی که شیخ طوسی به نقل از کلینی در تهذیب الأحکام آورده نیز دیده می‌شود (طوسی، تهذیب، ٦/ ١٨٧، ح ٣٨٩).[11] درباره این روایت باید گفت که کلینی آن را با همان سند از «ابراهیم بن اسحاق الأحمر» روایت کرده است (کلینی، الکـافی، ٥/ ٩٦، ح ٥).[12]بنا براین، بی‌شک در این مورد، شیخ طوسی یا ناسخان کتاب التهذیب وی در نقل سند حدیث دچـار اشتباه شده‌اند (ر.ک: خوئی، ٣/ ١٩١، ش ١١٠٥). نام وی همچنین در سلسله سند ایـن سـخن امـام علـی (علیه‌السلام) به کمیل بن زیاد که «یا کمیل إنّ هذه القلوب أوعیة ...» در منابع متعدد شـیعی و سـنی واقـع شده است (صدوق، کمال‌لدین، ٢٩٣؛ خطیب بغدادی، ٦/ ٣٧٦؛ ابن عساکر، ٥٠/ ٢٥١-٢٥٢؛ مجلسی، ٢٣/ ٤٨؛ امین، ٣/ ٢٧٨؛ محمودی، ٨/ ٢٠-٢١).[13]

افزون بر این‌ها، ابن شهر آشوب روایتـی مرسـل را نقـل کـرده کـه در آن اسـحاق احمـر از امـام عصـر (علیه‌السلام) درباره معنای آیه «کهیعص» پرسش نموده است. امام در پاسخ، با ذکر ایـن مطلـب کـه ایـن حروف شامل اخبار غیبی خداوند بر زکریای نبی بوده معنایی تأویلی از آیه در تطبیق بـا رخـدادهای کـربلا بیان کرده است بدین گونه که «کاف» نام کربلا، «هاء» هلاکت عترت پیامبر، «یاء» یزید، «عین» عطـش و «صاد» صبر امام حسین (علیه‌السلام) است (ابن شهر آشوب، مناقب، ٣/ ٢٣٧). چنانچه ظاهر عبارت ابن شهر آشوب که بر پرسش مستقیم اسحاق از امام دلالت دارد («سأل إسحاق الأحمر الحجـة (علیه‌السـلام) ...») درست باشد، حاکی از ارتباط وی با آن حضرت است، ارتباطی که خود نیـز بـا عنـوان «بـاب» امـام ادعای آن را داشت؛ چه آنکه بنا بر گزارش‌های موجود، او در عصر غیبت صغری و در زمان نیابت ابوجعفر محمد بن عثمان عمری (م ٣٠٤ یا ٣٠٥ ق) ادعای نیابت امام زمان (عج) را داشت. ابوالعباس احمـد بـن دینوری سراج گزارشی از ملاقات خود با وی و با قطانی ـ شخص دیگری که مدعی بابیت بـود ـ در بغـداد ارائه کرده است.[14]

منبع کلینی در نقل روایات اسحاق احمر

بنا بر آنچه گذشت دانستیم که اثری مکتوب از اسحاق احمر مشتمل بر سخنانی از امام حسن عسکری

---

[11]. «محمد بن یعقوب عن علی عن أبیه عن إسحاق الأحمر عن عبد الرحمن بن حماد عن عمر بن یزید قال: أتی رجل أبا عبد الله ...».

[12]. «علی بن محمد عن إبراهیم بن إسحاق الأحمر عن عبد الله بن حماد عن عمر بن یزید قال أتی رجل أبا عبد الله ع ...».

[13]. برای این حدیث با اسناد دیگر نگ: صدوق، کمـال الـدین، ٢٩٠-٢٩١؛ مفیـد، ٢٤٧-٢٥٠، ح ٣؛ شـریف رضـی، ١٠٥-١٠٦؛ طوسـی، الأمالی، ٢٠-٢١، ح ٢٣.

[14]. برای تفصیل این ماجرا نگ: طبری، ٥١٩-٥٢٤، ش ٤٩٣؛ ابن طاووس، ٢٤٠.

(علیه‌السلام) منبع کلینی در الکافی بوده است. مسأله حائز اهمیت در اینجا، شناسایی این اثر مکتوب اسحاق است. به عبارت دیگر، کلینی دقیقاً از کدام کتاب اسحاق بهره جسته است.

از میان آثار فهرستی متقدم امامی تنها نجاشی به تألیفات اسحاق احمر اشاره کرده است. به گفته وی، آثار اسحاق بازگوکننده اندیشه «تخلیط» بوده («له کتب فی التخلیط») و از میان آثار او تنها به دو اثر اشاره کرده است: کتاب أخبار السید و کتاب مجالس هشام (نجاشی، ۷۳، ش ۱۷۷). این دو کتاب را محمد بن سالم جعابی از علی بن حسن جرمی مشهور به طاطری از مؤلف روایت کرده است (همانجا؛ نیز نگ: بروجردی، ۱/ ٤٠٤، ش ۳۲۲۸ که صراحتاً «الجرمی» را علی بن حسن طاطری دانسته است). به‌گفته خطیب بغدادی، اسحاق احمر صاحب مصنفاتی در دیدگاه‌هایی بوده است که اسحاقیه بدان‌ها باور داشتند (خطیب بغدادی، ٦/ ۳۷۷). چنین به نظر می‌رسد که آنچه نجاشی با تعبیر «فی التخلیط» از آنها یاد کرده همین آثاری است که خطیب بغدادی بدان‌ها اشاره دارد و ظاهراً با دو اثری که نجاشی خود نام برده متفاوت است.

نقل قول‌هایی از پنج اثر منسوب به اسحاق احمر با عناوین کتاب الصراط، کتاب باطن التکلیف، کتاب الصلاة، کتاب الشواهد و کتاب التنبیه در آثار مؤلفان متقدم نصیری محمد بن نصیر نمیری (م بعد از ۲۵۴ ق)، محمد بن علی جلی (زنده در ۳۹۹ ق)، حسن بن شعبة حرانی ـ معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) ـ و علی بن حمزة حرانی (زنده در ۴۰۸ ق) باقی مانده است، آثاری که محتوای قطعات باقیمانده آن‌ها کاملاً با وصف‌های نجاشی و خطیب بغدادی از آثار اسحاق احمر سازگار است.[15] در میان منابع نصیری، کتاب حقائق أسرار الدین ابن شعبة حرانی بیشترین سهم را در حفظ و نقل قطعات آثار اسحاق احمر دارد.

مضمون روایات نقل شده از اسحاق در الکافی با محتوای هیچ یک از آثار پنجگانه اخیر وی همخوانی ندارد. محتوای این پنج اثر را می‌توان به‌طور کلی در سه شکل کلی در ارتباط با تعالیم غالیانه دسته‌بندی کرد. برخی مطالب برجای مانده از آثار اسحاق احمر بیان می‌دارند که محمد عبد خداوند بود که عالم را به نیابت از او (خداوند) آفرید. این سخن، اندیشه غلات مفوضه را به ذهن متبادر می‌نماید. در برخی از این نقل قول‌ها نیز چنین شرح داده شده که وظایف دینی در واقع اسامی اشخاص‌اند و عبادت حقیقی معرفت و شناخت این افراد است، اندیشه‌ای که در آثار غلات به روشنی بیان شده و از سوی مخالفانشان بدان‌ها

[15]. در منابع موجود هیچ نقل قول صریحی از دو کتابی که نجاشی به عناوین آن‌ها اشاره کرده ـ کتاب أخبار السید و کتاب مجالس هشام ـ در دست نیست، هرچند این احتمال می‌رود که برخی نقل قول‌ها از اسحاق احمر در الکافی و إختیار معرفة الرجال از کتاب أخبار السید باشد. درستی یا نادرستی این احتمال نیازمند پژوهشی مستقل است. البته علامه امینی (۲/ ۲۳۷، ش ۸) از اسحاق احمر در زمره مؤلفانی یاد کرده است که درباره سید حمیری کتاب نوشته‌اند، مقصود وی همین کتاب أخبار السید است. وجود آثاری با عنوان مشابه أخبار السید درباره سید حمیری مؤید این نظر علامه امینی است. برای این آثار نگ: نجاشی، ۸۵، ۸۷، ۹۶، ۱۹۹، ۲۴۴؛ طوسی، الفهرست، ۷۲، ۷۸؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ۱۸، ۲۰؛ افندی، ۹۲؛ خوئی، ۲/ ۱۹؛ امینی، ۲/ ۲۳۷.

نسبت داده شده است. در نهایت، برخی مطالب آثار وی از جنبه‌های مثبت و منفی غنا و لواط سخن گفته‌اند.[١٦]

بی‌ارتباطی مضامین روایات مورد بحث اسحاق در الکافی با عنوان کتاب مجالس هشام روشن و بی‌نیاز از بحث است. آنچه باقی می‌ماند کتاب أخبار السید است. در این باره دو احتمال وجود دارد؛ نخست آنکه همین کتاب منبع کلینی بوده است و دیگری آنکه کلینی از کتابی دیگر از اسحاق احمر که هیچ‌گونه نام و نشانی از آن امروزه در دست نیست استفاده کرده است. به دلیل فقدان شواهد و دلایل لازم نمی‌توان این احتمال را به بحث گذارد، از این رو ناگزیر باید به بررسی احتمال نخست پرداخت و آن اینکه کتاب أخبار السید اسحاق منبع کلینی بوده است.

تدوین اثری با عنوان مشابه کتاب أخبار السید علاوه بر اسحاق احمر بر کسانی چون ابوعبدالله احمد بن محمد بن عبیدالله جوهری (نجاشی، ۸۵-۸٦، ش ۲۰۷؛ طوسی، الفهرست، ۷۸، ش ۹۹) و احمد بن ابراهیم بن معلی عمی (نجاشی، ۹٦، ش ۲۳۹؛ طوسی، الفهرست، ۷۱-۷۲، ش ۹۰) نیز یاد شده است. مفهوم «السید» در عنوان کتاب نقش کلیدی در نتیجه بحث حاضر دارد.

در یکی از چاپ‌های الفهرست شیخ طوسی، عنوان اثر احمد بن ابراهیم عمی کتاب أخبار السید الحمیری وشعره آمده است (طوسی، الفهرست، ۷٦، ش ۹۰؛ نیز نگ: خوئی، ۲/ ۱۹، ذیل‌ش ۳۸٦). ابن ندیم نیز در شرح حال ابوبکر محمد بن یحیی صولی از کتاب وی تحت عنوان کتاب أخبار السید الحمیری و مختار شعره نام برده است (ابن ندیم، ۱۳٦٦ ش، ص ۲٤۸).[١٧] ابوعبیدالله محمد بن عمران مرزبانی خراسانی (م ۳۸۵ ق) نیز اثری با عنوان أخبار السید الحمیری تألیف کرده که متن آن امروزه به‌کوشش محمد هادی امینی (نجف: مطبعة النعمان، ۱۳۸۵ ق/۱۹۶۵ م) منتشر شده است. گفتنی است که ابوهاشم یا ابوعامر سید اسماعیل بن محمد یزید بن ربیعه حمیری معروف به «سید» (۱۰۵- ۱۷۹ ق) از مشهورترین شاعران شیعه و مدافع مذهب و زبان گویای آن بود.[١٨]

شواهدی دیگر در تأیید این نظر وجود دارد. نجاشی در شرح حال ابوعبدالله احمد بن عبدالواحد بن احمد بزاز معروف به‌ابن عبدون (نجاشی، ۸۷، ش ۲۱۱) و صالح بن محمد صرامی (همان، ۱۹۹، ش ۵۲۸) و ابو احمد عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی ازدی (همان، ٢٤٤، ذیل‌ش ٦٤٠) از

---

[١٦]. برای این موارد نگ: نمیری، ٢١١؛ جلی، ١٦٤؛ حرانی، حقائق، ٢٣، ٤٠، ٤٢ (همگی نقل از کتاب الصراط)، ٣٤، ٣٥ (نقل از کتاب الشواهد)، ٣٦-٣٧، ٤٩ (نقل از کتاب باطن التکلیف)، ٤٥-٤٦ (نقل از کتاب التنبیه) و ١١٣- ١١٤ (نقل از کتاب الصلاة)؛ حرانی، حجة العارف، ٢٥٨.

[١٧]. قس ابن ندیم، ١٤٣٠ ق، ١/ ٤٦٥ که «الحمیری» در گیومه آمده است: «أخبار السید [الحمیری] و مختار شعره».

[١٨]. نقل شده که وی در ابتدا بر مذهب خوارج بود، سپس مذهب کیسانیه اختیار کرد و بعدها با عنایت امام صادق (علیه‌السلام) مستبصر شد و به مذهب امامیه گرائید و تا پایان عمر شیعه باقی ماند. درباره وی نک: دیوان السید الحمیری، مقدمه مصحح، ص ۵-۱۷.

کتاب أخبار السید بن محمد در زمره تألیفات وی نام برده است. بی‌شک مقصود از سید بـن محمـد همـان حمیری است. شاهد دیگر در این باره آنکه نجاشی و طوسی بلافاصله پس از یـادکرد کتـاب أخبـار السـید احمد بن ابراهیم بن معلی عمی از اثر دیگر وی شعر السید نیز نام برده‌اند (همان، ٩٦، ش ۲۳۹؛ طوسـی، الفهرست، ۷۲، ش ۹۰). این دو عنوان کتاب و همنشینی آن‌ها کنار یکـدیگر حـاکی از آن اسـت کـه سـید مورد بحث شاعر بوده است و این خود شاهدی است بر اینکه منظور از «سید» در اینجا سید حمیری باشد. بر همین اساس است که آقابزرگ طهرانی تمامی این آثار و مؤلفان آن‌ها را زیـر عنـوان کتـاب أخبـار السـید الحمیری معرفی کرده است (آقابزرگ طهرانی، ۱/ ٣٣٤-۳۳۵، ش ١٧٤٤-١٧٤٨). محمدعلی ابطحی (۳/ ۱۱۷) نیز صراحتاً مقصود از «السید» در عنوان کتاب أخبار السید اسحاق احمر همان سید حمیری ـ شـاعر مشهور اهل بیت ـ دانسته است.

چنانچه مقصود از «سید» در عنوان کتاب أخبار السید اسحاق احمر نیز همچون آثار موارد بـالا همـان سید اسماعیل بن محمد حمیری باشد، در این صورت این اثر بـه هـیچ روی نمی‌توانـد منبـع کلینـی بـوده باشد؛ چه آنکه مضامین روایات منقول از اسحاق احمر در الکافی کاملاً با جهت‌گیری عنوان کتـاب أخبـار السید با مفهوم سید حمیری متفاوت است. افزون بر این، عدم جایگاه خاص و قدسـی سـید حمیـری نـزد نصیریه و اسحاقیه قرینه‌ای دیگری است که احتمال بالا را تضعیف می‌نماید. بنا براین می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال فراوان مقصود از عبارت «السید» در عنوان کتاب أخبار السید اسـحاق احمـر سـید حمیـری نیست. اما همچنان این سؤال پابرجاست که این عبارت اشاره به چه شخصی دارد؟

احتمال دیگری که در تفسیر عنوان «سید» وجود دارد اینکه منظور امام حسـن عسـکری (علیه‌السـلام) است.[۱۹] شواهدی برای تقویت این احتمال وجود دارد. شاهد نخست آنکه، کتاب أخبار السـید ـ در کنـار کتاب مجالس هشام ـ یکی از دو کتاب شناخته شده و در عین حال خـالی از ضـعف عمـده آثـار اسـحاق احمر در میان شیعه امامیه بوده است. پیش‌تر گفتیم که نجاشی برخی تألیفات وی را متأثر از اندیشه تخلیط معرفی کرده است («له کتب فی التخلیط»). کیفیت عبارت‌پردازی نجاشی حکایـت از آن دارد کـه ضـعف مذکور در سایر آثار اسحاق در این دو کتاب وی وجود نداشته است. این نکته به نوبه خود شاهدی است بر اینکه کلینی نیز با این کتاب آشنا بوده است.

نگرش خاص نصیریه و اسحاقیه به امام حسن عسکری (علیه‌السلام) شاهد دیگری است کـه احتمـال بالا را تأیید و تقویت می‌نماید، چنانکه در روایتی که کشی به واسطه احمد بن علـی بـن کلثـوم از اسـحاق

---

[۱۹]. برخی محققان معاصر نیز این احتمال را مطرح کرده‌اند. نگ: شبیری، منابع کافی، ۳۳؛ اثباتی و طباطبائی، جستاری در باب منابع داده‌های تاریخی کافی، ٤١.

احمر روایت کرده از آن حضرت با تعبیر «سیدی» یاد شده است: «أحمد بن علی بن کلثوم، قال: حدثنی إسحاق بن محمد البصری قال: حدثنی الفضل بن الحارث، قال: کنت بسر من رأی وقت خروج سیدی أبی الحسن علیها لسلام، فرأینا أبامحمد ماشیاً قد شق ثیابه، فجعلتأتعجب من جلالته و ما هو له أهل و من شدة اللون و الأدمة، وأشفق علیه من التعب ...» (طوسی، إختیار، ش ۱۰۸۷).

شاید این اشکال بر این روایت وارد شود که کاربرد لفظ «سیدی» برای امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ممکن است از سوی کسانی جز اسحاق احمر بوده باشد. اما این کاربرد در یکی از آثار منسوب به اسحاق صراحتاً از سوی خود او در اشاره به امام حسن عسکری (علیه‌السلام) به کار رفته است: «قال إسحاق فی کتاب باطن التکلیف: و قال مؤلف کتاب الأشخاص أرکان أهل البیت محمد و فاطر[20] و الحسن و الحسین و الغامضة محسن ... و ما ذبح بمنی من الإبل و البقر و الغنم فهم الذین حضروا محاربة السید» (حرانی، حقائق، ۱۷٤-۱۷۵). نکته جالب توجه درباره نقل قول بالا از کتاب باطن التکلیف[21] منسوب به اسحاق احمر اینکه آشکارا هیچ اشاره‌ای به نام امیرالمؤمنین در زمره اهل بیت نشده است. سبب این امر آن است که امام علی (علیه‌السلام) نزد غلات به ویژه نصیریه و اسحاقیه در جایگاهی بالاتر از معصومان (عل) قرار دارد؛ در مقام «معنی» و مرتبه الوهیت.

سرانجام آنکه شاهد دیگر در این باره کلام وصفی خطیب بغدادی درباره منقولات و روایات اسحاق احمر است که بیشتر آن‌ها را مشتمل بر اخبار و حکایات معرفی کرده است. عنوان «أخبار» در عنوان کتاب نیز مؤید همین خصوصیت حکایت‌گری در روایات اسحاق است. بیشتر مضامین روایات منقول از اسحاق احمر از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در الکافی نیز با حکایت از دیگران رنگ و بوی اخبار درباره آن حضرت دارد.

نتیجه‌گیری

بنا برآنچه به‌تفصیل در متن این پژوهش گذشت، نتایج زیر قابل استفاده است:

۱- ابویعقوب اسحاق بن محمد بن ابان احمر نخعی از جمله شاگردان امام حسن عسکری (علیه‌السلام) است که روایاتی را از آن حضرت نقل کرده است. او در دوره غیبت صغرا برخی ادعاهای انحرافی را مطرح کرد. بنا بر شواهد موجود، نخستین ادعای وی نیابت خاص امام عصر (عج) بود. هیچ گزارش تاریخی درباره درستی این ادعا در منابع نقل نشده است. او در کنار این ادعا، باورهای انحرافی

---

[20]. در آثار نصیریه و اسحاقیه از حضرت فاطمه زهرا (س) با عنوان «فاطر» یاد می‌شود.

[21]. فریدمن از این اثر با عنوان کتاب التکلیف یاد کرده است. نک: Friedman, p. 249, note 37.

دیگری را نیز مطرح کرد که گزارش‌های موجود در این باره از جهت‌گیری غلوآمیز این ادعاها و باورها حکایت دارد. او توانست در زمان خود جریانی فرقه‌ای را رهبری نماید، جریانی که در منابع فرق‌شناسی به‌نام خود او یعنی اسحاقیه شناخته شده است.

۲- ادعاها و باورهای انحرافی (غالیانه) اسحاق سبب شد تا وی از سوی رجالیان شیعه تضعیف شود. با وجود طعن وی، روایاتی را که در دوره استقامت خود از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) نقل کرده بود مورد توجه محدثان متقدم قرار گرفت. از جمله این محدثان که حجم بیشتری از روایات اسحاق را در مقایسه با سایرین نقل کرده شیخ کلینی در کتاب ارزشمند الکافی است. بنا براین می‌توان اسحاق احمر را از نمونه‌هایی به شمار آورد که متقدمان در نقل حدیث از راویان ضعیف و فاسد المذهب به قرائنی جز وضعیت رجالی آن‌ها توجه داشتند.

۳- عدم برخورداری سید حمیری از جایگاهی خاص و قدسی نزد نصیریه و اسحاقیه و عدم حضور شخصیت وی در روایات منقول از اسحاق در الکافی مؤید آن‌اند که مقصود از «السید» در عنوان کتاب أخبار السید اسحاق نمی‌تواند سید حمیری باشد. بلکه بنا بر برخی شواهد می‌توان احتمال داد که مقصود از این واژه در عنوان کتاب، امام حسن عسکری بوده است. کیفیت عبارت‌پردازی نجاشی و جداسازی این کتاب اسحاق و اثر دیگر شیعه یعنی کتاب أخبار مجالس هشام از تألیفات دیگر وی که مملو از اندیشه تخلیط بودند از جمله این شواهد است. نگرش خاص نصیریه و اسحاقیه به امام حسن عسکری (علیه‌السلام) و کاربرد لفظ «سیدی» در اشاره به آن حضرت و کلام خطیب بغدادی در وصف روایات وی که بیشینه آن‌ها مشتمل بر اخبار و حکایات است و این وصف با مضامین روایات مورد بحث اسحاق در الکافی نیز همخوانی دارد. بنا براین می‌توان گفت که شواهد موجود حاکی از آن است که کتاب أخبار السید اسحاق منبع کلینی در نقل روایات وی از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) بوده است.

منابع

ابطحی، محمدعلی، ***تهذیب المقال فی تنقیح کتاب رجال النجاشی***، قم: ابن المؤلف، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.

ابن ابي الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، ***شرح نهج البلاغة***، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار إحیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ ق.

ابن اثیر، علي بن محمد، ***اللباب فی تهذیب الأنساب***، بیروت: دار صادر، بی‌تا.

ابن بابویه، محمد بن علی، ***الأمالی***، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ ق.

______________، ***کمال الدین وتمام النعمة***، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ ق.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ***الموضوعات***، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، مدینه: المکتبة السلفیة، ۱۳۸۶ ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ***لسان المیزان***، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ق.

ابن شعبه، حسن بن علي، ***حقائق أسرار الدین***، چاپ شده در سلسلة التراث العلوی: مجموعة الحرانیین، ج ۴، تحقیق: ابوموسی وشیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ***معالم العلماء***، تحقیق: سید محمد صادق آل بحرالعلوم، بیروت: دار الأضواء، بی‌تا.

________________، ***مناقب آل أبی طالب***، نجف: المکتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ ق/۱۹۵۶ م.

ابن طاووس، علی بن موسی، ***فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم***، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳.

ابن عساکر، علی بن حسن، ***تاریخ مدینة دمشق***، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.

ابن غضائری، احمد بن حسین، ***الرجال***، تحقیق: سید محمدرضا حسینی جلالی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق.

ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، ***البدایة و النهایة***، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق/۱۹۸۸ م.

ابن ندیم، محمد بن اسحق، ***الفهرست***، تحقیق: ایمن فؤاد سید، لندن: مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامی، ۱۴۳۰ ق/۲۰۰۹ م.

________________، ***الفهرست***، تحقیق: رضا تجدد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.

اردبیلی، محمد علی، ***جامع الرواة و إزاحة الإشتباهات عن الطرق و الأسناد***، مکتبة المحمدی، بی‌تا.

افندي، عبدالله بن عیسي بیگ، ***تعلیقة أمل الآمل***، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مکتبة المرعشی، ۱۴۱۰ ق.

آقابزرگ طهراني، محمد محسن، ***الذریعة إلی تصانیف الشیعة***، بیروت: دار الأضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

امین، محسن، ***أعیان الشیعة***، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی‌تا.

امینی، عبدالحسین، ***الغدیر***، بیروت: دار الکتاب العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۷ ق/۱۹۷۷ م.

بروجردی، علی، ***طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال***، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: مکتبة المرعشی، ۱۴۱۰ ق.

بهبهاني، محمدباقر بن محمد اکمل، ***تعلیقة بر منهج المقال***، چاپ شده در منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال، محمد بن علی استرآبادی، قم: مؤسسة آل البیت، ۱۴۲۲ ق.

تفرشي، مصطفي بن حسین، ***نقد الرجال***، قم: مؤسسة آل البیت (علیه‌السلام)، ۱۴۱۸ ق.

تقي‌الدین حلي، حسن بن علي، ***رجال***، تحقیق: سید محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف: منشورات مطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ ق/۱۹۷۲ م.

ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، ***الغارات***، تحقیق: سید جلال الدین ارموی، افست: چاپخانه بهمن، بی‌تا.

جدیدی‌نژاد، محمد رضا، ***معجم مصطلحات الرجال والدرایة***، قم: دار الحدیث، چاپ سوم، ۱۴۲۴ ق.

جلی، محمد بن علی، ***حاوی الأسرار***، چاپ شده در سلسلة التراث العلوی، ج ۲، تحقیق: ابوموسی وشیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.

حرانی، علی بن حمزة، ***حجة العارف فی إثبات الحق علی المباین و المخالف***، چاپ شده در سلسلة التراث العلوی: مجموعة الحرانیین، ج ۴، تحقیق: ابوموسی وشیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.

حلی، حسن بن سلیمان، ***مختصر بصائر الدرجات***، نجف: منشورات المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۰ ق.

خصیبی، حسین بن حمدان، ***الهدایة الکبری***، بیروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۱ ق.

خطیب بغدادی، احمد بن علی، ***تاریخ بغداد***، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق/۱۹۹۷ م.

خوئی، ابوالقاسم، ***معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة***، بی‌جا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق.

ذهبی، محمد بن احمد، ***المغنی فی الضعفاء***، تحقیق: ابوالزهراء حازم القاضی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق/۱۹۹۷ م.

______________، ***میزان الإعتدال فی نقد الرجال***، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ ق/۱۹۶۳ م.

سمعانی، عبدالکریم بن محمد، ***الأنساب***، تحقیق: عبدالله عمر بارودی، بیروت: دار الجنان، ۱۴۰۸ ق/۱۹۸۸ م.

سید حمیري، اسماعیل بن محمد، ***دیوان السید الحمیری***، تصحیح: ضیاء حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی‌تا.

شبیری زنجانی، محمدجواد، «لزوم ارزیابی سندی احادیث کافی با استفاده از دروس حضرت آیت الله شبیری زنجانی»، ***مجله سفینه***، ۱۳۸۳، شماره ۲.

شریف الرضي، محمد بن حسین، ***خصائص الأئمة (علیهم السلام)***، تحقیق: محمد هادی امینی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۰۶ ق.

شوشتري، محمدتقي، ***قاموس الرجال***، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۹ ق.

صاحب‌المعالم، حسن بن زین‌الدین، ***التحریر الطاووسی***، تحقیق: فاضل جواهری، قم: مکتبة المرعشی، ۱۴۱۱ ق.

طبری، محمد بن جریر، ***دلائل الإمامة***، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ ق.

طوسی، محمد بن حسن، ***إختیار معرفة الرجال***، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن مصطفوی, مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.

______________، ***الأمالی***، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.

______________، ***الفهرست***، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق.

______________، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: سید حسن موسوی خرسان، طهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۶۴.

______________، *رجال الطوسی*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق.

______________، *فهرست کتب الشیعة و أصولهم*، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبة العلامة الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.

عاملی، علی بن یونس، *الصراط المستقیم إلی مستحقی التقدیم*، تحقیق: محمدباقر بهبودی، المکتبة المرتضویة، ۱۳۸۴ ق.

علامه حلی، حسن بن یوسف، *إیضاح الإشتباه*، تحقیق: محمد حسون، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ ق.

______________، *خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال*، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق: علی اکبرغفاری، طهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

محمودی، محمدباقر، *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة*، بیروت: مؤسسة الأعلمی، بی‌تا.

مفید، محمد بن محمد، *الأمالی*، تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، بیروت: دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

نجاشی، احمد بن علی، *فهرست أسماء مصنفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ ق.

نمیری، محمد بن نصیر (منسوب)، *کتاب المثال والصورة*، چاپ شده در سلسلة التراث العلوی، ج ۱، تحقیق: ابوموسی وشیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.

Anthony, Sean W., "The Mahdī and the Treasures of al-Tālaqān", ***Arabica***, Brill NV, Leiden, 2012.

Friedman, Yaron, ***The Nuṣayrī-ʿAlawīs: An Introduction to the Religion, History and Identity of the Leading Minority in Syria***, Brill (Leiden (Boston), 2010.